

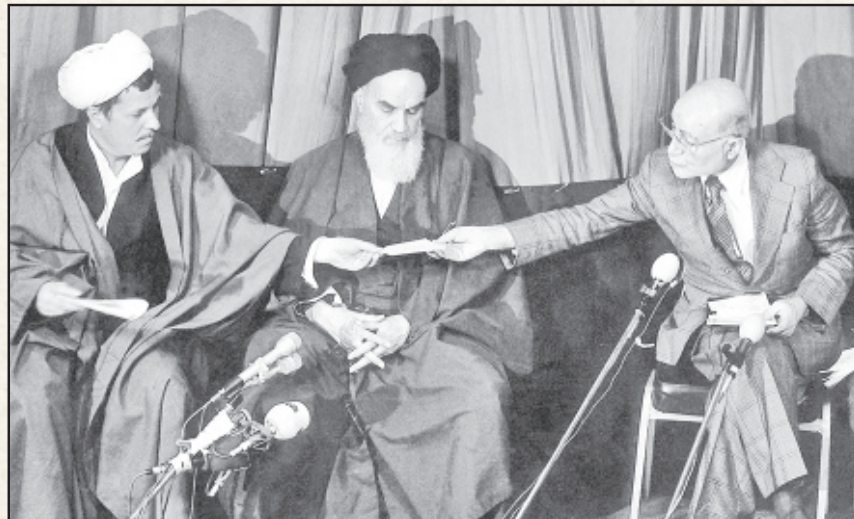
من به واسطه ولایتی که از جانب شرع دارم دولت تعیین کرده‌ام!

تشکیل دولت موقت انقلاب اسلامی، طلیعه حکومتی بود که سالیان سال، مردم و مبارزان انتظار آن را می‌کشیدند. برآمدن این نهاد، نمادی از زوال رژیم گذشته و ایجاد نظام جدید قلمداد می‌شد. هم از این روی از آغازین لحظات انتصاب نخست‌وزیر آن از سوی امام خمینی، بقایای حکومت پهلوی به وحشت افتادند و شاپور بختیار نیز گفت: دولت موقت راه، تا شوخی است می‌پذیرد! تظاهرات گسترده و پرشور مردم، به دستور رهبر انقلاب و در حمایت از دولت جدید، جایگاه آن را به رخ مخالفان داخلی و خارجی کشید و گامی مهم، در طریق پیروزی قلمداد می‌شد. هرچند که نهایتاً این دولت و برخی اعضای آن، نتوانستند انتظار انقلابیون را تحقق بخشند، اما نفس ایجاد و آغاز به کار آن، فصلی مثبت و مهم در فرآیند انقلاب اسلامی است.

دولت موقت انقلاب اسلامی، محمل بیم‌ها و امیدها



۲ در صبحگاه ۲۰ بهمن ۱۳۵۷، مهندس بازرگان طی سخنانی در دانشگاه تهران، به تشریح مواضع خود پرداخت. وی در آن سخنرانی، خود را به فولکس وانگنی تشبیه کرد که نمی‌تواند همچون امام خمینی رهبر انقلاب اسلامی، پر قدرت و بولدوزروار، حرکت کند!



۱ ۱۵ بهمن ۱۳۵۷. سالن آمفی تئاتر مدرسه علوی تهران. امام خمینی طی کنفرانسی مطبوعاتی، مهندس مهدی بازرگان را به سمت نخست‌وزیر دولت موقت انقلاب منصوب کرد. در این مراسم، نخست آیت‌الله اکبر هاشمی رفسنجانی حکم را قرائت کرد و سپس امام خمینی و مهندس بازرگان، سخنانی را ایراد کردند. پس از خروج امام از مراسم، بازرگان و هاشمی رفسنجانی، به پرسش‌های خبرنگاران پاسخ دادند



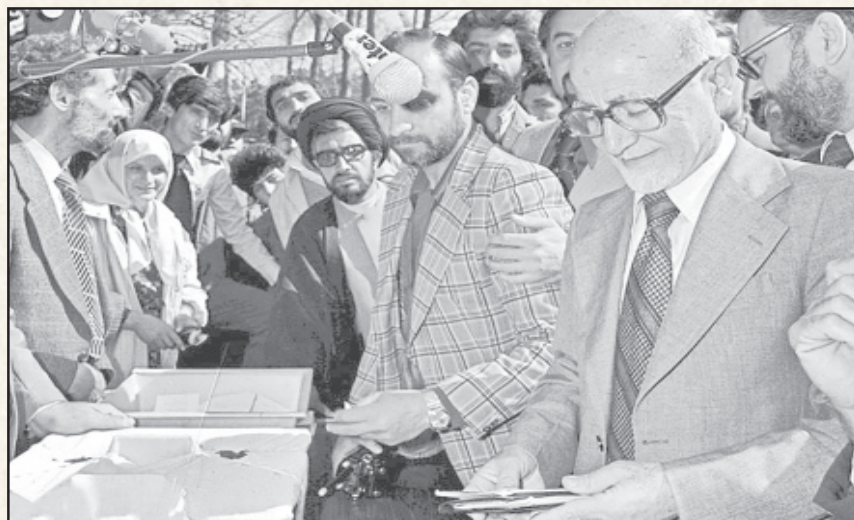
۴ مهدی بازرگان، یدالله سحابی و هاشم صباغیان، در کنار یاس عرفات، نخستین رهبر خارجی که برای تبریک پیروزی انقلاب اسلامی، به ایران سفر کرده بود. اعضای دولت موقت در دوران مسئولیت خویش، به حمایت از نهفت‌های آزاد بیخشی اسلامی در سراسر جهان، تظاهر می‌کردند، امری که در سالیان بعد، از آن عقب نشستند!



۳ امام خمینی در حکم نخست‌وزیری بازرگان، وی را بدون در نظر گرفتن کراشات حزبی، به این سمت گمارد. این در حالی بود که نخست‌وزیر دولت موقت، بیشتر همکاران خویش را، از میان جریان مومس به ملی انتخاب کرد! در تصویر، بازرگان در کنار حسن نزه، هاشم صباغیان و عباس امیرانتظام (سه از همکاران وی در دولت) دیده می‌شود



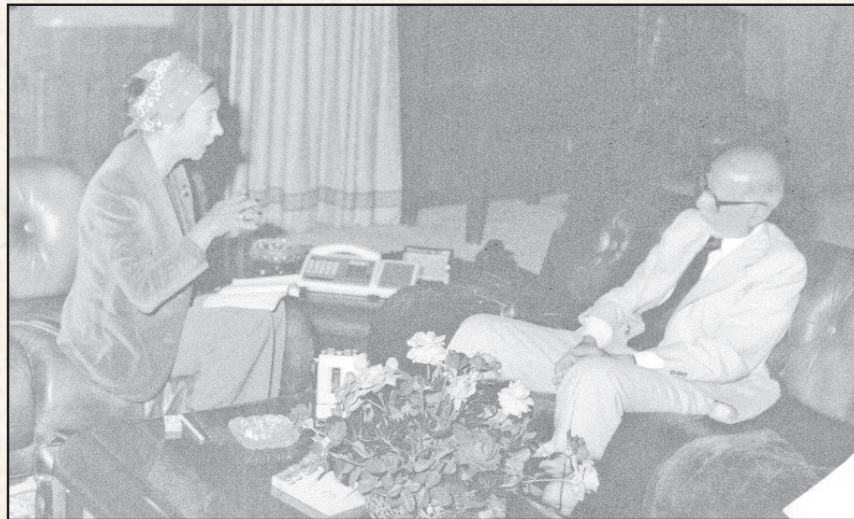
۶ فروردین ۱۳۵۸، قم، مهدی بازرگان در حال دست‌بوسی از امام خمینی. حمایت رهبر انقلاب از دولت موقت، تا چند ماه پس از شروع به کار آن، تداوم یافت. با این همه ظهور پاره‌ای ضعف‌ها و کاستی‌های این کابینه، موجب انتقادات شدید امام شد



۵ فروردین ۱۳۵۸. مهدی بازرگان در حال شرکت در فراندنم جمهوری اسلامی. از نخستین چالش‌های وی با انقلابیون، اصرار بر عنوان جمهوری دموکراتیک اسلامی، برای نظام سیاسی نو پدید، در برابر جمهوری اسلامی، بود. امری که نهایتاً با واکنش امام خمینی مواجه شد



۸ ۱۳۵۸. مهدی بازرگان، داریوش فروهر و عباس امیرانتظام، در کنار آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای. یکی از مهم‌ترین چالش‌های دولت موقت با جریان خط امام رخ داد، امری که نهایتاً پس از تسخیر لانه جاسوسی آمریکا، به حیات آن دولت خاتمه بخشید



۷ ۹ مهر ۱۳۵۸. بازرگان در گفت‌وگو با اوربانو فالاجی روزنامه‌نگار معروف ایتالیایی گفت: نقش من در اداره کشور، نقش ضعیفی است! من نمی‌توانم در حالی که دستم از پشت بسته است، کار کنم... او در عین حال تصریح کرد: امام خمینی نمی‌خواهد افکارش را به دیگران تحمیل کند....

گذری بر بسترها و پیامدهای
تشکیل دولت موقت انقلاب اسلامی

نخست‌وزیری که نمی‌خواست انقلابی باشد!

نیم‌احمد پور

انتصاب مهندس مهدی بازرگان به نخست‌وزیری دولت موقت از سوی امام خمینی، از مهم‌ترین رویدادهای دوران اوج گیری انقلاب اسلامی است. بی‌تردید بدون تحلیل زمینه‌ها و بسترهای این انتخاب، نمی‌توان آن را به درستی ارزیابی کرد. از منظر این قلم، این گزینش از دو جنبه قابل بررسی است. اول: از جنبه زمینه‌ها و دوم: از جنبه پیامدها. آنچه در ذیل می‌آید، معطوف به این دو نکته است:

۱- پیش از هر چیز، باید دانست که مهندس بازرگان، انتخاب اولیه امام خمینی و حتی چهره‌هایی چون شهید آیت‌الله دکتر بهشتی، برای تصدی دولت انقلاب نبود. رهبر انقلاب در نامه عزل آیت‌الله منتظری از قائم مقامی رهبری، به این نکته تصریح دارد. برابر اسناد، انتخاب بازرگان به این سمت، بیشتر نتیجه تدبیر شهید آیت‌الله مرتضی مطهری بود، که نهایتاً مورد قبول امام خمینی قرار گرفت. شهید مطهری در این پیشنهاد، به دو امر نظر داشت. اول: اینکه باید حساسیت غرب بر انقلاب ایران، به حداقل برسد تا آنان به خلع شاه از حکومت، راضی شوند! از دیدگاه غربیان، بازرگان شخصیتی فرنگ‌رفته و متمایل به فرهنگ آنان قلمداد می‌شد و حضور او در حکومت، می‌توانست تا حدی آنان را آسوده‌خاطر سازد. دوم: استاد مطهری از دوستان نزدیک و قدیمی مهندس بازرگان بود و به اعتقاد دینی و تلاش وی در تخطئه مکاتب بشری از جمله مارکسیسم، باور داشت. با این همه و در پایان این فراز، ذکر این نکته خالی از لطف نیست که شهید مطهری در واپسین روزهای حیات، نزد برخی از نزدیکان و دوستان، ناراضی خویش را از عملکرد بازرگان ابراز و اظهار امیدواری کرده بود تا به زودی یک دولت انقلابی، عهده‌دار زمام امور شود.

۲- پیامدهای زمامداری بازرگان اما به چند و چون اندیشه سیاسی وی بازمی‌گردد. او و همگنانش در گروه‌های ملقب به ملی، از جمله نهضت آزادی، به قانون اساسی مشروطیت و سلطنت شاه به جای حکومت وی، باورمند بودند. او حتی تا هنگام دیدار با امام خمینی در نوفل‌لوشاتو نیز، همین اندیشه را پی می‌گرفت و هم از این روی، امکان دیدار دوم با رهبر انقلاب را نیافت! با فرض اینکه بازرگان با بروز علائم آشکار زوال رژیم شاه، از این اندیشه فاصله گرفته و براندازی رژیم سلطنتی را قبول کرده باشد، باز به وقوع کترین تغییرات، پس از پیروزی انقلاب اسلامی معتقد بود. است. این در حالی بود که ملت در پی انجام انقلاب، تحولات بنیادین را طلب می‌کرد و به فرم‌های سطحی و جزئی، قناعت نمی‌نمود. هم از این روی بود که تقریباً از آغازین ماه زمامداری نخست‌وزیر دولت موقت، تقریباً همه گروه‌ها و از آن مهم‌تر بدنه جامعه، او را مورد انتقادات شدید خویش قرار می‌دادند! آنان بر این باور بودند که بازرگان، هنوز پیروزی انقلاب را باور نکرده و در بروکراسی پیشاتحول، گرفتار آمده است! جالب اینجاست که دامنه این انتقادات، حتی به کابینه او نیز تسری یافت و ضعف دولت، از زبان اعضای کابینه نیز روایت شد! کار به جایی رسید که اعلامیه‌های نهضت آزادی هم، با روشی که بازرگان در پیش گرفته بود، زاویه یافت! مجموع این شرایط باعث شد دولت موقت نتواند به فعالیت خویش تداوم بخشد و نخست‌وزیر آن برای اولین بار، در خرداد ۱۳۵۸ استعفا دهد. با این همه امام خمینی که همچنان حامی این دولت بود، آن را نپذیرفت. تلافی سفر مهندس بازرگان به الجزایر و دیدار با برژینسکی مشاور امنیتی کارتر، با نفرت عمومی مردم از سیاست‌های آمریکا در قبال نظام نو تأسیس جمهوری اسلامی، کار را بر دولت بازرگان سخت کرد. سفر شاه به آمریکا و تقویت این انگاره، که عمو سام بار دیگر درصدد تکرار ۲۸ مرداد در ایران است، به تسخیر لانه جاسوسی انجامید و در اینجا بود که دولت موقت رسماً به پایان راه خود رسید. این دولت از یک سو، قطع رابطه ایران با آمریکا را بر نمی‌تافت و از سوی دیگر خشم عمومی از این دولت استعماری را نمی‌توانست مهار کند. این بود که طبیعتاً و البته ناخودآسته، موج مطالبات عمومی، اولین دولت انقلاب را، به حاشیه سیاست سوق داد.